

شیخ وحدت !



«محل تحصیلش قم بوده است و بمرتبۀ اجتهاد رسیده و تالیفات زیادی دارد و از آنجمله کتاب‌های قبله اسلام، هفتاد و دو تن و یک تن، سرچشمه حیات و سما و العالم می‌باشد. روحیه و افکار و تمایلات و بستگی به دستجات مختلف سیاسی و غیر سیاسی طرفدار اتحاد مسلمین است و با رجال مذهبی کشورهای عربی تماس کتبی دارد و در دستجات سیاسی شرکت ندارد و روحیه‌اش ملایم است و افکارش مترقی و روشن است. از درآمد پیشنهادی مسجد فخر الدوله و حق التدریس دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات تهران) زندگی می‌کند.»

شیخ خلیل کمره‌ای در کمره از توابع خمین دیده به جهان گشود و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در محضر آیت الله حائری به درس آموزی مشغول شد در سال ۱۳۰۱ به قم مهاجرت کرد. او حکمت و فلسفه را در محضر میرزا علی اکبر یزدی آموخت. آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی، آقا رضا اصفهانی، شیخ عباس محدث قمی، سید محسن جیل عامل از دیگر اساتید ایشان هستند. در سال ۱۳۱۱ در ماجرای کشف حجاب به دستور

رضا خان دستگیر و روانه زندان شد و بعد از یک ماه زندانی شدن، به قید عدم خروج از تهران آزاد گردید. او آثار مختلفی نگاشته است که اهم آنها بدین شرح است[1]

تفسیر سوره نور، هفتاد و دو تن در سه جلد، مسلم بن عقیل، شرح نهج البلاغه، ملکه اسلام، نوید اسلام، غروب آفتاب در اندلس، مادر، فتح مکه، ندای آسمان در اذان و ثواب آن، قبله اسلام کعبه یا مسجد الحرام[2]

شیخ وحدت اسلامی

[3]سید هادی خسروشاهی در وصف او می‌نویسد:

«تا آنجا که حقیر اطلاع دارم حق یکی از مردان بزرگ دین و دانش ایران در قرن اخیر نه تنها ادا نشده است بلکه حق این است که بگوئیم بر زمین مانده و مغفول افتاده است. در واقع، به یک اعتبار آیت الله کمره‌ای از گمنامان تاریخ معاصر است و با اینکه مردی بزرگ و عالمی ارزشمند و کم مانند بود کار و تحقیق مستقلی پیرامون او صورت نگرفته است تا بتوان به آن اشاره و اشعار داشت. این نقصی از نقص‌های تاریخ نگاری‌های معاصر ماست که با وجود نهادهای فراوان و مراکز و موسساتی گسترده و زیاد از حد، درباره بزرگ مردی که دارای سوابق طولانی علمی و فکری بوده است و در حساس‌ترین برهه تاریخ معاصر در شاخه دین و فقهت حضور داشته و منشا اثر بوده و جای پای رفیعش در برخی از عرصه‌های تاریخ معاصر کاملاً غیر قابل انکار است دفتری برای خواندن پدید نیامده باشد»[4]

ماجرای دستگیری و تبعید: خمینی از همان اول جرات داشت

آیت الله کمره‌ای به سبب انتشار نسخه دست‌نویس نامه آیت الله حائری به شاه پس از ماجرای کشف حجاب در مسیر عزیمت از مشهد به همدان دستگیر و پس از ۲۱ روز زندان انفرادی به شرط عدم خروج از تهران آزاد می‌شود. ایشان ماجرای دستگیری خود را از شرح داستان خروج اعتراضی از قم و سکونت در مشهد آغاز می‌کنند.

«به هر حال بعد از این کار آقای بافقی (ماجرای ورود بی حجاب همسر رضا شاه به حرم حضرت معصومه) قضیه فرماندار قم اتفاق افتاد. قضیه فرماندار این بود که: یک روز، فرماندار قم از صحن بزرگ به صحن کوچک آمده بود که به حرم برود. من هم با آقا میرزا عبداً اراقی و چند نفر دیگر در مقبره محمد شاه نشسته بودیم و مباحثه می‌کردیم. او چنین تصور کرده بود که ما عمداً بی‌احترامی کرده‌ایم و در

مقابل او بلند نشده‌ایم. در صورتی که فاصله‌اش با ما بیش از صد قدم بود. خلاصه فرماندار قاصدی را به خانه حاج شیخ فرستاد.... حاج شیخ به من گفت: خواهش می‌کنم شما هم مثل حاج شیخ محمد تقی کاری نکنید که حوزه به هم بخورد. گفتم: وای من کاری نکرده‌ام. گفت چرا فرماندار عبور می‌کرده شما جلوی پا نشدید؟ گفتم: مگر بناست فرماندار که از آن طرف می‌رود ما جلوی پا بلند شویم. این چه جور احترامی است. حاج شیخ گفت: مختصر اینکه مثل حاج شیخ محمد تقی رفتار نکنید. من هم بلند شدم و با تعرض بیرون آمدم. درسی داشتیم من بودم و آقای خمینی و آقای مجتهدی. قضایا را برای آنها گفتم آقای خمینی هم پاشد و آمد لب پشت‌بام مدرسه فیضیه، داد و فریاد کرد که: دیگر آن روزها گذشت، این توقعات بیجا دیگر چیست؟ و تقریباً، اعتراضش به حاج شیخ هم بود. آقای خمینی از همان اول جرئت داشت، خیلی هم جرئت داشت.» [5]

خلاصه به نشانه اعتراض به طرف خراسان حرکت کردم. به مشهد رفتم تا اینکه قضیه بهلول باعث تعطیلی درس‌ها شد؛ لذا من به قم آمدم... یکی از تجار همدان به نام حاج ابوالقاسم اعتماد از من دعوت کرد که به همدان بیایید و مهمان باشید. آیت‌الله کمره‌ای پس از چند روز از قم به سمت همدان حرکت می‌کند که در میانه راه در منطقه اراک دستگیر می‌شود.

ویژگی‌های فکری و عملی آیت‌الله کمره‌ای

مبارزه برای وحدت مسلمین ویژگی است که در تمام توصیفات بزرگان از این شخصیت ممتاز شیعه ذکر شده است امری که حتی در گزارشات ساواک نیز مشهود است. اقدامات ایشان در این مسیر را می‌توان در موارد زیر شمرد:

۱- موسس دعوت پیامبر اکرم(ص)، کتاب دعوت قرآن مجید؛ خانه دعوت کعبه معظمه و رهبران دعوت چهارده معصوم

۲- حضور فعال در مجامع علمی فقهی در جهان اسلام

۳- نگارش آثاری مستند که در عین بیان عقیده شیعه امامیه، قابل رجوع برای پیروان مذاهب اسلامی است

۴- اجتناب از طرح مباحث مورد اختلاف که جهان اسلام را از مسائل و مشکلات فراروی آن دور کند

دیدار با شیخ الازهر: فتوای جواز تقلید اهل سنت از علمای شیعه

آیت ا [کمره] ای که ریاست کنگره اسلامی کراچی و اردن را برعهده داشته است پس از اتمام کنگره اردن به قصد تشکر از شیخ شلتوت به مصر سفر می کنند.

ماجرا از این قرار است که در همان سال ها آیت ا [قمی خطاب به شیخ شلتوت می نویسد:

عده ای از مردم معتقدند که هر فرد مسلمان برای آنکه عبادات و معاملاتش صحیح انجام گیرد باید تابع یکی از مکتب های معروف چهارگانه باشد و در میان این مکتب های چهارگانه نامی از مکتب شیعه امامی و شیعه زیدی برده نشده است. آیا جناب عالی با این نظر کاملاً موافقید که مثلاً پیروی از مکتب شیعه امامیه اثنی عشری مغایرتی با دین ندارد؟

شیخ شلتوت در پاسخ مساله جواز رجوع اهل سنت به فقه های شیعه را مطرح می کنند. این فتوی که به منزله به رسمیت شناختن فقه شیعه توسط اهل سنت است تأثیرات بسیاری بر حرکت وحدت اسلامی داشت تا جایی که علامه طباطبائی درباره آن گفته بود: «البته تا دنیا دنیاست شیعه باید سپاسگزار این مرد بزرگوار باشد و از روان پاک و عمل بی آلایش وی تقدیر کند.»

شیخ وحدت اسلامی

متن نامه شیخ شلتوت از این قرار است:

1- آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون پشته پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مکتب های چهارگانه باشد می تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی باشد) منتقل شود.

2- مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب های اهل سنت جایز می باشد.

بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گزینند زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود. بلکه همه صاحب مذهب، مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند نمی‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست.

من از دیر زمانی حدود سی سال قبل در صدد دیدن فقه امامیه بر آمدم و از عراق و ایران کتاب‌های فقهی امامیه را خواستم ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد کتاب‌ها نمی‌رسید و سانسور می‌شد تا بعد از فتح کانال سوئز کتب شما آمد و من مطالعه کردم حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم بدون اینکه تحت تاثیر هیچ مقامی یا سخنی باشم.» [6]

پس از انتشار فتوای شیخ الازهر، آیت‌الله کمره‌ای که در کنار جمعی در کنگره اسلامی اردن حضور داشتند پیشنهاد می‌دهند که همان جمع برای تشکر به مصر سفر کنند. آیت‌الله کمره‌ای این ماجرا را که با یک اختلاف در هیئت ایرانی همراه بوده است، چنین شرح می‌دهد:

«ما عمره بجا آورده‌ایم (عده‌ای معتقد بودند بهتر است به حج بروند)؛ اما امروز روزی است که باید از فتوای این مرد بزرگ تشکر شود و احترام شود؛ چون در طول تاریخ اسلام اولین بار است که مرجع بزرگ سنی‌ها رسماً فتوی می‌دهد، فقیه شیعه سبب نجات است و یکی از فقه‌ها و رشته‌های اسلامی است و در صراط مستقیم است. چهار مذهب بودند با این فتوا می‌شود پنج مذهب.» بعد از اختلاف ایشان با آیت‌الله بروجردی که زعیم آن روز حوزه علمیه قم بوده تماس می‌گیرد. آیت‌الله بروجردی پس از شنیدن نظرات می‌گوید: «حتماً به مصر بروید و از قول من هم از ایشان تشکر کنید و اصلاً ایشان را دعوت کنید تشریف بیاورند ایران، مهمان ما در قم باشند.» [7]

پس از بازگشت ایشان به ایران شیخ محمود شلتوت در نامه‌ای خطاب به ایشان نوشت: «خطابه‌ای که قبل از ترک مصر برای ما فرستادید اثر عظیمی در نفس من بجای گذاشت، تقدیر شما از عمل صالحی که ما برای آن قیام کرده‌ایم در آن به چشم می‌خورد و احساس شما بدون شک احساسی صادقانه بود هم‌چنانکه تقدیر شما در سخنانتان از جناب برادر علامه قمی اثر فراوانی در نفس آقایان علمای اینجا داشت امید است که همه ما در راه مصالح امت اسلامی بکوشیم و خداوند این تعاون همیاری را مصداق این آیه قرار دهد - والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله مع المحسنين.»

حمایت از فلسطین و پرهیز از اختلافات پوشالی

حمایت از مردم مسلمان فلسطین در برابر تجاوز و اشغالگری صهیونیستها موضع ثابت علامه میرزا خلیل کمره‌ای در طول زندگانی بود و این مهم را وظیفه اسلامی و شرعی خود می‌دانست. معظم له در سخنرانی خود، با تحلیلی بسیار ژرف از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه السلام تصریح دارد که امروزه زمان پرداختن به اختلافات گذشته نیست و همه باید برای مبارزه با استعمار و اسرائیل متحد و هماهنگ شوند، از دید ایشان نامه امام علی بهترین سندی است که از جانب بهترین کس، در موقع تیرگی اوضاع کوفه پایتخت و قوت طوفان انحراف افکار صادر شده - برای نجات امت آن روز و امروز به درد می‌خورد. هم عقده افکار را و هم اوضاع پریشانی کشور را که هرکدام مهمتر از دیگری است، در نظر می‌گیرد؛ اما عقده افکار و عقاید را بنگرید که رییس دولت را از «سقوط مصر» استیضاح نمی‌کنند که کشوری است در همین وقت‌ها سقوط کرده بود ولی درباره عقیده به خلافت سابقین و نفی واثبات آنها انجمن‌ها می‌سازند، حرارتها بروز می‌دهند، نمایندگان می‌فرستند.

نظیر این نسیان وظیفه و نسیان واجب و پرداختن به امور مفروغ عنها در زمان ما هم هست؛ گرچه شاید این استیضاح‌ها به منظور مفسده‌جویی و القای خلاف بوده و سؤال ساده نبوده ولی هرچه بوده، اثر علمی نیکی برای ما باز نهاده که مهمتر از هر مهمی است. گرچه فغان امام برای سقوط مصر حتی - از نامه او به ابن عباس در بصره - از بصره هم شنیده می‌شود، لیکن بیرون دادن این کتاب، آنهم به این طرز برای ما در هر دو قسمت خود، یک رهبر جاودانی است؛ هم نسبت به عقیده درباره شیخین و هم نسبت به اهمیت سقوط اطراف کشورهای اسلامی در آن زمان و این زمان؛ مانند زمان فلسطین و آوارگانی عرب مسلمین از شر اسرائیل و مانند الجزایر. [8]

آیت‌الاکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود اشاره دارد که ترجمه کتاب «سرگذشت فلسطین» را به اشاره مرحوم آیت‌الکمره‌ای انجام داده است و می‌نویسد: ترجمه سرگذشت فلسطین در نوق - شاید، برای مدتی، اقامت در نوق بهترین تصمیمی بود که در آن روزها گرفتم. درست است که یکی از جاهایی که من در آنجا تحت تعقیب بودم، نوق بود. لابد به ژاندارمری پاسگاه نوق دستور داده شده بود که در صورت مشاهده مرا دستگیر کنند. حداقل، چنین احتمالی بود. با اینهمه، چون در آنجا بومی بودم و با کدخدا و مردم کاملاً آشنا، غافلگیر نمی‌شدم. گرفتن من در آنجا آسان نبود، حداقل قبل از اجرای هر دستوری، باخبر می‌شدم. با تصور اینکه نوق برایم امنترین جاست تصمیم گرفتم که بروم همان نوق خودمان. مشکلات زندگی هم بود. با داشتن زن و بچه و مسئولیت زندگی باید کاری هم انجام می‌دادم، هرچند در زندگی

در آخرین شماره «مکتب تشیع» مقاله‌ای درباره فلسطین نوشته بودم که در آن روزها خیلی مؤثر بود. در ایران مسئله فلسطین مسئله متروکی بود. به هنگام نوشتن آن مقاله، مرحوم آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای کتابی در اختیار من گذاشته بود به نام «القضية الفلسطينية» که نویسنده آن اکرم زعیتراست. من از آن کتاب در نوشتن مقاله‌ام به‌عنوان مرجع استفاده کرده بودم و سخت مرا تحت تأثیر قرار داده بود، چنانکه شاید ضمن مطالعه بارها گریستم. از آرزوهایم ترجمه این کتاب به زبان فارسی بود که در آن شرایط بهترین فرصت برایم فراهم شده بود. [9]

[1] روزنامه اطلاعات ۲۲/۶/۶۳

[2] همان

[3] در احوال و اندیشه‌های آیت‌الله علامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای: ۵۱

[4] همان: ۲۶

[5] همان: ۷۶

[6] زندگانی‌نامه آیت‌الله میرزا خلیل کمره‌ای: ۲۰-۲۱

[7] همان: ۸۶

[8] در احوال و اندیشه‌های آیت‌الله علامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای: ۲۱۰.

[9] خاطرات اکبر هاشمی رفسنجان، ج ۱: ۷۱۱

